

# آموزش روش حل مسئله به مادران و تأثیر آن بر روابط خانوادگی

## The Effectiveness of Instruction Based on Cognitive Approach on Family Relationship

M. Shokohi Yekta, Ph.D. ✉

دکتر محسن شکوهی یکتا ✉

استادیار دانشگاه تهران

A. Parand

اکرم پرند

دانشجوی دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی دانشگاه تهران

### Abstract

Problem solving skill is considered to be one of the cognitive skills that help people to solve their internal and external issues. Teaching problem solving skills can help adolescents to prevent escalation of their problems and getting into family conflicts. Many of parents and their children lack problem solving skills. For this reason, some experts conduct problem solving workshops for parents as well as for children and adolescents.

The purpose of the present research was to evaluate the efficacy of problem solving workshops designed for p-parents of preteens.

In these workshops topics such as understanding others' emotions, ideas, and motivations, finding various solutions for a single problem, giving attention to their behaviors' consequences and sequential planning were taught.

Participants included 96 mothers of students in private schools. These mothers were instructed by skillful instructors in five workshops lasted ten sessions, two hours each.

The present study utilized a quasi-experimental research method with pre and post tests without control group. Three subscales of Family Assessment Device (FAD) were used before and after the workshops: communication, affective responsiveness, and affective involvement.

Analysis of data indicated that workshops had positive effects on subjects' performance in "affective involvement". Finally, implications of the findings, research limitations and suggestions for future research are presented.

**Keywords:** problem solving, parent education, parent training, parenting style, family assessment.

### چکیده:

مهارت حل مسئله یکی از مهارت‌های شناختی است که انسان را در حل مسائل درونی و بیرونی خود یاری می‌دهد. آموزش این مهارت می‌تواند از بروز مسائل و مشکلات نوجوانان و بحرانی شدن تعارض‌های خانوادگی پیشگیری کند. حل مسئله یکی از مهارت‌های مهم زندگی است که بسیاری از والدین و فرزندان با آن آشنا نیستند. بر این اساس برخی از متخصصان به طراحی و اجرای کارگاه‌های آموزش حل مسئله برای والدین، کودکان و نوجوانان پرداخته‌اند.

هدف از پژوهش حاضر ارزشیابی کارگاه‌هایی با عنوان تربیت نوجوان اندیشمند بوده است که در آن مهارت‌های حل مسئله به گروهی از مادران که فرزندان آنان در آستانه دوران نوجوانی قرار دارند، آموزش داده شده است. در کارگاه تربیت نوجوان اندیشمند مهارت‌های درک احساسات و نظرات دیگران، درک انگیزه‌ها، یافتن راه‌حل‌های متعدد برای یک مسئله، در نظر گرفتن عواقب و نتایج امور و برنامه‌ریزی متوالی با استفاده از طرح درس‌هایی آموزش داده شده است. گروه نمونه مطالعه حاضر شامل ۹۶ نفر از مادران نوجوانانی هستند که در برخی مدارس غیرانتفاعی شهر تهران مشغول به تحصیل بوده‌اند. این مادران در پنج کارگاه آموزشی که هر کارگاه شامل ۱۰ جلسه آموزشی دو ساعته است زیر نظر مجریان مجرب آموزش دیده‌اند. این پژوهش از نوع شبه تجربی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون بدون گروه گواه است. داده‌های این پژوهش با استفاده از اجرای پرسشنامه ارزیابی خانواده گردآوری شده است. با استفاده از این ابزار کارکرد خانواده در سه عامل ارتباط، پاسخدهی عاطفی و مشارکت عاطفی در قبل و بعد از اجرای کارگاه مقایسه شده است. یافته‌ها بیانگر تأثیر این کارگاه‌ها بر بهبود عملکرد آزمودنی‌ها در عامل مشارکت عاطفی است. در خاتمه، بحث و نتیجه‌گیری، کاربرد یافته‌های تحقیق، محدودیت‌ها و همچنین پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده ارائه شده است.

**کلیدواژه‌ها:** حل مسئله، دانش‌افزایی والدین، آموزش مادران، سبک‌های فرزندپروری

✉ Corresponding author: Dept. of Sociology Sciences University of Tehran, Tehran, Iran.  
Tel: +9821-88240161-70  
Fax: +9821-88254734  
Email: msyekta@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: تهران - بزرگراه شهید چمران - خیابان جلال آل احمد - روبروی کوی نصر

# بررسی نقش انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده در هدف‌گرایی فرزندان

## The Role of Family Flexibility and Cohesion In Child Goal Orientation

M. Zareh ✉

S. Samani, Ph.D.

مریم زارع ✉

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز

دکتر سیامک سامانی

استادیار بخش روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز

### Abstract

Goal orientation is one of the most basic concepts in Motivation Psychology. The aim of the present study was to examine the prediction of goal orientations, included Mastery approach, Mastery avoidance, Performance approach and Performance avoidance by family flexibility and cohesion.

The sample included 449 subjects (143 girls) selected randomly from different high schools of Shiraz city.

Goal orientations scale (Elliot, Mac-Gregor, 2001), and flexibility scale (Shakeri, 1381) and Cohesion Scale (samani, 1381, 2004) scale were used.

Cronbach alpha coefficient was calculated in order to determine the reliability of the measures. For testing validity of the instruments internal consistency method were used. The results showed acceptable reliability and validity of the instruments.

By using simultaneous (enter) multiple regression analysis, the prediction of goal orientations, included Mastery approach, Mastery avoidance, Performance approach and Performance avoidance by family flexibility and cohesion was confirmed. Results showed that family cohesion was a positive and significant predictor of Mastery approach and Performance approach and was a negative and significant predictor of Performance avoidance. Family flexibility was a positive and significant predictor of mastery approach and was a negative and significant predictor of mastery avoidance and performance avoidance.

**Key words:** Goal orientation, Flexibility, Cohesion.

### چکیده:

هدف‌گرایی فرزندان یکی از مفاهیم اساسی روان‌شناسی انگیزش محسوب می‌شود. هدف پژوهش حاضر بررسی میزان پیش‌بینی جهت‌گیری هدف فرزندان شامل: اهداف تسلط رویکردی، تسلط اجتنابی، عملکرد رویکردی و عملکرد اجتنابی توسط انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده است. شرکت‌کنندگان پژوهش شامل ۴۴۹ دانش‌آموز دختر (۲۴۳ نفر) و پسر (۲۰۶ نفر) دبیرستان‌های مختلف شهر شیراز بودند. برای سنجش جهت‌گیری هدف از مقیاس اهداف پیشرفت‌الهیوت و مک‌کریگور (۲۰۰۱) و برای سنجش انعطاف‌پذیری خانواده از مقیاس انعطاف‌پذیری مثبت شاکری (۱۳۸۲) و در نهایت برای سنجش انسجام خانواده از مقیاس انسجام خانواده سامانی (۱۳۸۱) استفاده شد.

روایی مقیاس‌ها از طریق همبستگی هر گویه با نمره کل و پایایی آن‌ها به روش آلفای کرونباخ و بازآزمایی تعیین شد. نتایج بیانگر روایی و پایایی مطلوب مقیاس‌ها بودند. با استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان میزان پیش‌بینی هر یک از جهت‌گیری هدف فرزندان توسط انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان دادند که انسجام خانواده پیش‌بینی‌کننده مثبت اهداف تسلط رویکردی، عملکرد رویکردی و پیش‌بینی‌کننده منفی عملکرد اجتنابی بود. انعطاف‌پذیری خانواده پیش‌بینی‌کننده مثبت هدف تسلط رویکردی و پیش‌بینی‌کننده منفی اهداف تسلط اجتنابی و عملکرد اجتنابی بود.

**کلیدواژه‌ها:** جهت‌گیری هدف، انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده

✉Corresponding author: Dept. of Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.  
Tel: +98711-6136483  
Fax: +98711-6286441  
Email: m\_zareh84@yahoo.com

✉نویسنده مسئول: شیراز - دانشگاه شیراز - دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی بخش روان‌شناسی تربیتی  
تلفن: ۰۷۱۱-۶۱۳۶۴۸۳ - دورنما: ۰۷۱۱-۶۲۸۶۴۴۱  
پست الکترونیک: email: m\_zareh84@yahoo.com

بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و نشانگان برونی‌سازی  
شده در کودکان ۷ تا ۹ سال

The Study of Relationship Between Parenting Styles and Externalizing  
Symptoms in 7 to 9 Year Old Children

P. S. SeyedMosavi ✉

H. Nad Ali

S. Ghanbri

پریسادات سیدموسوی ✉

دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس

حسین نادعلی

کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران

سعید قنبری

دانشجوی دکتری، روان‌شناسی عمومی دانشگاه شهید بهشتی

**Abstract**

The aim of this study was to investigate the relationship between parenting styles including authoritarian, authoritative and permissive styles) and child behavioural disorder that have conceptualized as externalizing symptoms (aggressive and role broken behaviour).

273 mothers of 7-9 years old boys from primary schools participated in this study.

Results indicated that permissive parenting style had significant positive correlation with externalizing symptoms. In contrast, authoritative style had significant negative correlation with this symptoms. No relation was found between authoritarian parenting style and externalizing symptoms.

**Keywords:** Parenting Styles, externalizing, aggression, role broken.

**چکیده:**

با توجه به اهمیت فرزندپروری چه در پرتو سبک‌های فرزندپروری و چه در قلمرو رفتارهای خاص والدینی در پیش‌بینی اختلال‌های رفتاری در کودکان و از آنجایی که روابط متقابل والد - کودک در مرکز آسیب-شناسی کودکان در نظر گرفته شده است، در این پژوهش سعی بر آن است تا رابطه بین سبک‌های فرزندپروری (سبک‌های فرزندپروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه) و اختلال‌های رفتاری کودکان، که در پژوهش حاضر به‌عنوان نشانگان برونی‌سازی شده (رفتارهای پرخاشگرانه و قانون‌شکنی) مفهوم‌سازی گشته است، بررسی شده، نقش این متغیرها در پیش‌بینی اختلال‌های رفتاری کودک تعیین گردد. جامعه این پژوهش شامل مادران کودکان پسر ۷ تا ۹ سال مشغول به تحصیل در مدارس ابتدایی منطقه شش تهران بودند که ۲۷۳ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از بین کلاس‌های مقاطع اول تا سوم از ۴ مدرسه ابتدایی موجود در این منطقه انتخاب شدند. نتایج پژوهش نشان داد که سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با نشانگان برونی‌سازی شده رابطه مثبت معناداری دارد ولی سبک فرزندپروری مقتدرانه با نشانه‌های برونی‌سازی همبستگی منفی معناداری نشان داد. سبک فرزند پروری مستبدانه با نشانگان برونی‌سازی شده رابطه معنی‌داری نداشت. **کلیدواژه‌ها:** سبک‌های فرزندپروری، نشانگان برونی‌سازی شده، رفتار پرخاشگرانه، رفتار قانون‌شکنی

✉ Corresponding author: Dept. of Psychology Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran.  
Tel: +9821-44232589  
Fax: +9821-88926034  
Email: parisa.parisamousavi@gmail.com

✉ نویسنده مسئول: تهران - خ استاد نجات‌الهی (ویلا) - نرسیده به کریمخان زند - خ لباف - کوچه نارنگ - شماره ۴۷ - واحد ۶ - مرکز مشاوره گلستان  
تلفن: ۰۲۱-۴۴۲۳۲۵۸۹ - دورنما: ۰۲۱-۸۸۹۲۶۰۳۴  
پست الکترونیکی: email:parisa.parisamousavi@gmail.com

سهام ابعاد کارکرد خانواده در میزان استفاده از راهبردهای مقابله  
در بیماران مبتلا به اختلال مولتیپل اسکلروزیس

The Contribution of Family Function Dimensions in Utilization  
of Coping Strategies by Patients With Multiple Sclerosis

F. Ghadiri, Ph.D. ✉

S. Nooshkia, B. A.

دکتر فاطمه قدیری ✉

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

ساحل نوش کیا

کارشناس مامایی، کارشناس دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی تهران

**Abstract**

This study accomplished to determine the role of family function dimensions in utilization of coping strategies by patients with Multiple Sclerosis (MS). Participants were 94 patients with MS selected randomly from those who referred to Health Office of Tehran Medical Sciences University during 1 month to receive medicine prescription. Family Assessment Device and Coping Strategies Questionnaire were completed by participants.

It was found that functional dimensions contribute to coping strategies according to regression analyses. Results indicated that "problem solving", "affective involvement", and "behavior control" had the highest significant association with utilized coping strategies and could predict them.

**KeyWords:** Family function dimensions, Coping strategies, Multiple Sclerosis disorder.

**چکیده:**

این پژوهش با هدف بررسی سهم ابعاد کارکرد خانواده در میزان استفاده از راهبردهای مقابله در بیماران مبتلا به اختلال مولتیپل اسکلروزیس انجام یافت. در این مطالعه ۹۴ بیمار از میان بیماران مبتلا به این عارضه که به صورت تصادفی ظرف مدت ۱ ماه جهت گرفتن مجوز دارو به معاونت سلامت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران (واحد بیماران خاص) مراجعه کرده بودند و پس از آگاهی از اهداف پژوهش و اعلام رضایت، شرکت کردند.

پرسشنامه‌های ابزار سنجش خانواده (FAD) و پرسشنامه راهبردهای مقابله توسط این افراد تکمیل شد. با کمک تحلیل رگرسیون سهم ابعاد کارکرد خانواده در میزان استفاده از راهبردهای مقابله در بیماران مبتلا به این اختلال مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که کارکردهای «حل مسئله»، «آمیختگی عاطفی» و «کنترل رفتاری» خانواده بیش از سایر کارکردها با راهبردهای مورد استفاده این بیماران ارتباط دارند.

**کلیدواژه‌ها:** ابعاد کارکرد خانواده، راهبردهای مقابله، اختلال مولتیپل اسکلروزیس

✉Corresponding author: Family Research Institute, Shahid Beheshti University.  
Tel: +9821-22431814  
Fax: +9821-29902368  
Email: sghadiri@hotmail.com

✉نویسنده مسئول: تهران - اوین - دانشگاه شهید بهشتی - پژوهشکده خانواده  
تلفن: ۰۲۱-۲۲۴۳۱۸۱۴ دورنما: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۶۸  
پست الکترونیکی: email: sghadiri@hotmail.com

تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی مبتنی بر قصه در  
کاهش نشانه‌های اختلال سلوک کودکان

The Effectiveness of a Story-Based Program on the Social Competence of  
Disordered Children

M. Toieserkani Ravary, M.A. ✉

S. J. Unesi, Ph.D.

M. Usefi Looye, Ph.D.

مهدیه تويسرکاني راوري ✉

کارشناس ارشد مشاوره خانواده

دکتر سيدجلال يوسني

عضو هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی

دکتر مجيد يوسفی لويه

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

چکیده:

پژوهش حاضر به منظور بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی مبتنی بر قصه در کاهش نشانه‌های اختلال سلوک کودکان دبستانی (دختران ۱۰ و ۱۱ ساله) انجام شده است. براساس مطالعات، کودکان مبتلا به اختلال سلوک، در زمینه کاربرد مهارت‌های اجتماعی بسیار ضعیف عمل می‌کنند و این نقص به تداوم و تشدید مشکلات رفتاری آن‌ها می‌انجامد. این مطالعه از نوع تجربی حقیقی، با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل است.

گروه نمونه این پژوهش متشکل از ۲۲ دختر دبستانی ۱۰ و ۱۱ ساله بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای در دو مرحله و سپس براساس نمره پرسشنامه علائم مرضی کودکان CSI-4 (فرم والد و معلم) و پرسشنامه ارزیابی رفتار راتر (فرم معلم و والد) انتخاب شدند. از این افراد ۱۱ نفر به‌طور تصادفی در گروه آزمایش و ۱۱ نفر دیگر در گروه کنترل قرار گرفتند. گروه آزمایش در طول ۱ ماه، ۱۲ جلسه تحت آموزش مهارت‌های اجتماعی با شیوه قصه‌گویی و فعالیت‌های مکمل قرار گرفت. داده‌های پس‌آزمون، سه هفته پس از اتمام جلسات جمع‌آوری و با استفاده از آزمون تحلیل کواریانس بررسی شد. نتایج نشان دادند که براساس هر دو فرم دو پرسشنامه، آموزش مهارت‌های اجتماعی مبتنی بر قصه موجب کاهش نشانه‌های اختلال سلوک در آزمودنی‌ها می‌شود ( $P < 0.005$ ). این نتیجه با یافته‌های پژوهشگران دیگر تطابق دارد و قابلیت کاربرد قصه و ساختار آن را در آموزش و درمان مشکلات رفتاری کودکان نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: آموزش مهارت‌های اجتماعی، اختلال سلوک، کودکان، قصه-

گویی

Abstract

Objectives of this study were to investigate the effectiveness of a story-based social skill training in reducing symptoms of conduct disorder of elementary students (girls 10 to 11 years of age). Based on the studies, children with conduct disorder have problems in using social skills. This may result in continuation and severity of conduct problems.

Using a pre-test post-test design with control group, a sample consisting of 22 elementary school girls were selected through a cluster sampling method with two stages; On the basis of the scores achieved from the scales of CSI-4 (parent & teacher form) and Roter behavioral diagnosis of children (parent & teacher form). Pre and post-test data were investigated using a covariance analysis test.

**Results and Discussion:** the result of the study showed that based on both scales, story-based social skill training led to the reduction of conduct disorder symptoms in the subjects ( $p < 0.005$ ). This finding is in conformity with previous research, and shows the efficiency of using story and its structure in training and treatment of children with conduct problems.

**Keywords:** social skill training, conduct disorder, children, story.

✉ نویسنده مسئول: کرمان - دانشگاه شهید باهنر - گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی

تلفن: ۰۳۴۱-۳۲۲۰۲۷۹ - دورنما: ---

پست الکترونیک: email: mtoisravir@yahoo.com

✉ Corresponding author: Psychology & Education Dept. Shahid Bahonar University, Kerman, Iran.

Tel: +98341-3220279

Fax: ---

Email: mtoisravir@yahoo.com

تأثیر آموزش تعهد پیش از ازدواج بر بهبود ویژگی‌های تعهد در  
دختران دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا

Effectiveness of Premarital Training Program on  
Commitment Characteristics in Female  
Students at Islamic Azad University of Fasa

S. Najarpourian, M.A. ✉

F. Bahrami, Ph.D.

O. Etemadi, Ph.D.

سمانه نجارپوریان ✉

کارشناس ارشد مشاوره خانواده

دکتر فاطمه بهرامی

استادیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

دکتر عذرا اعتمادی

استادیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

**Abstract**

The purpose of this study was to examine the effectiveness of pre-marital training program (PREP) on commitment characteristics. The research procedure was quasi experimental with pre-test and post-test design with a control group.

The statistical sample included 30 female students of Islamic Azad University of Fasa that randomly selected, and assigned in experimental and control groups (N=15).

Commitment Characteristics Inventory, was administered to both groups at baseline (Fer 1988). The experimental group attended in 6 sessions (1 session per week) of pre-marital commitment training. Results were analyzed using SPSS software. The findings showed that PREP on commitment significantly increased awareness of commitment characteristics in experimental group.

**Keywords:** Pre-Marital Training Program, Commitment, Commitment characteristics

**چکیده:**

در این پژوهش تأثیر آموزش تعهد پیش از ازدواج بر بهبود ویژگی‌های تعهد در دختران دانشجو مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور، ۳۰ نفر دانشجوی دختر از میان دانشجویان دانشگاه آزاد، به صورت تصادفی در دسترس انتخاب شدند. افراد گروه نمونه به طور تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و گروه کنترل (۱۵ نفر) گمارش شدند. طرح پژوهش، نیمه تجربی از نوع پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل بود.

پس از اجرای پیش‌آزمون با استفاده از آزمون سنجش ویژگی‌های تعهد فر (۱۹۸۸) برای هر دو گروه، گروه آزمایش به مدت ۶ هفته، هر هفته یک جلسه ۴۵ دقیقه‌ای، تحت آموزش پیش از ازدواج تعهد قرار گرفتند و پس از پایان این مدت، پس‌آزمون سنجش ویژگی‌های تعهد، برای هر دو گروه اجرا شد. یافته‌های تحقیق با استفاده از روش تحلیل کوواریانس تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها نشان دادند که آموزش تعهد پیش از ازدواج، بر بهبود ویژگی‌های تعهد و افزایش میزان آن تأثیر مثبت داشته، و نمرات پس‌آزمون گروه آزمایش به طور معنی‌داری نسبت به نمرات گروه کنترل بیشتر است.

**کلیدواژه‌ها:** آموزش تعهد پیش از ازدواج، ویژگی‌های تعهد، دختران دانشجو

✉Corresponding author: Dept. of Family Counseling Isfahan University, Isfahan, Iran.  
Tel: +98731-3342523  
Fax: +98731-3339524  
Email: s.najarpourian@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: تهران - ضلع شرقی پارک آزادی - دانشگاه پیام نور - گروه علوم تربیتی و مشاوره  
تلفن: ۰۷۳۱-۳۳۴۲۵۲۳ · دورنما: ۰۷۳۱-۳۳۳۹۵۲۴  
پست الکترونیک: email: s.najarpourian@yahoo.com

# هم‌وقوعی رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان دبیرستان‌های شهر تهران

## The Co-Occurrence of Risky Behaviors among High School Adolescents in Tehran

A. Zadeh Mohammadi, Ph.D. ✉

Z. Ahmad Abadi, M.A.

دکتر علی زاده محمدی ✉

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

زهره احمدآبادی

کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی

### چکیده:

### Abstract

Risky behaviors are defined as behaviors that increase the possibility of adverse physical, psychological, and sociological consequences. In adolescents such behaviors tend to be interrelated and have co-variation patterns. Due to its unfavorable and irremediable consequences such as pregnancy, infective diseases, and HIV, sexual risk-taking has been recently highlighted more than other high-risk behaviors. Current study focuses on the frequency and co-occurrence of various risk-takings, and the influence of different demographic factors.

The sample included 807 high school students (436 girls), studying in grade 2, 3, and 4, selected through stratified sampling proportionate to the size. To measure risk-taking behaviors the Iranian Adolescents Risk-Taking Scale (Zadeh Mohammadi, Ahmadabadi, and Heidari, 2007) was used.

Results showed positive and significant relations between the high-risk behaviors. The highest sexual risk-taking variance among adolescents could be found in relation with alcohol, being with opposite sex, drug use, gender, and social status.

The results suggest that health authorities, and Ministry of Education should keep students away from development of high-risk behaviors.

**Keywords:** Adolescents, Co-Occurrence, Risky behaviors, Sexual Risk Taking.

رفتارهای پرخطر به رفتاری اطلاق می‌شود که احتمال نتایج مخرب جسمی، روان‌شناختی و اجتماعی را برای فرد افزایش دهد. این رفتارها در نوجوانان با یکدیگر به شدت همبسته‌اند و از الگوی هم‌تغییری پیروی می‌کنند. خطرپذیری جنسی به دلیل پیامدهای ناگوار و غیرقابل جبران از قبیل بارداری، بیماری‌های عفونی و ابتلا به اچ‌آی‌وی در سال‌های اخیر بیش از سایر رفتارهای پرخطر مورد تأکید واقع شده است. هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی فراوانی و هم‌وقوعی انواع خطرپذیری‌ها و تأثیر زمینه‌های مختلف جمعیت‌شناختی بر این هم‌تغییری و ارائه راهکارهایی برای پیشگیری است.

نمونه تحقیق ۸۰۷ دانش‌آموز پایه دوم، سوم و چهارم مقطع متوسطه شهر تهران (۳۷۱ پسر و ۴۳۶ دختر) را در برمی‌گیرد که با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و متناسب با حجم انتخاب شدند. برای سنجش خطرپذیری از مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی (IARS) (زاده‌محمدی، احمدآبادی و حیدری، ۱۳۸۶) استفاده شد. برحسب یک مقیاس ۵ قسمتی، میانگین خرده‌مقیاس‌های گرایش به جنس مخالف ۳/۲۴، رابطه و رفتار جنسی ۲/۱۵، مصرف الکل ۲/۰۰، سیگار ۱/۸۷ و مصرف مواد مخدر و روان‌گردان ۱/۷۴ بدست آمده است. نتایج نشان داد که بین تمامی رفتارهای پرخطر رابطه مثبت و معنی‌داری برقرار است. الکل، دوستی با جنس مخالف و موادمخدر و روان‌گردان به همراه جنسیت (پسر)، تحصیلات مادر (دانشگاهی)، رشته تحصیلی (انسانی) و درآمد خانواده (زیر ۲۰۰ هزار تومان) بیشترین واریانس خطرپذیری جنسی را در نوجوانان تبیین می‌کنند. وجود همبستگی بین رفتارهای پرخطر، به متولیان سلامت اجتماعی و نهادهایی چون آموزش و پرورش کمک می‌کند تا با شناسایی رفتارهایی که با صرف هزینه و زمان کمتر قابل کنترل است، از بروز و ظهور سایر رفتارها در دانش‌آموزان پیشگیری کنند.

**کلیدواژه‌ها:** نوجوان، رفتار پرخطر، خطرپذیری جنسی، هم‌وقوعی

✉Corresponding author: Family Research Institute Shahid Behshti University, Tehran, Iran.  
Tel: +9821-22431814  
Fax: +9821-22120357  
Email: dr\_zadeh@gmail.com

✉ نویسنده مسئول: تهران - اوین - دانشگاه شهید بهشتی - پژوهشکده خانواده  
تلفن: ۰۲۱-۲۲۴۳۱۸۱۴ دورنما: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۶۸  
پست الکترونیک: email: dr\_zadeh@gmail.com